



4 زن با فضیلت در قرآن؛ از گفتگوی ساره با فرشتگان تا مقام ویژه مریم(ع)

قرآن داستان‌ها را که نقل می‌کند ملاک ارزش را در شئون گوناگون آن مشخص می‌نماید، نوع مسایل ارزشی را هم در ضمن داستان‌هایی نقل می‌کند که نقش اول آن را زن به عهده دارد، هم در ضمن داستان‌هایی که نقش اول آن با مرد است ...

خبرگزاری مهر- قرآن داستان‌ها را که نقل می‌کند ملاک ارزش را در شئون گوناگون آن مشخص می‌نماید، نوع مسایل ارزشی را هم در ضمن داستان‌هایی نقل می‌کند که نقش اول آن را زن به عهده دارد، هم در ضمن داستان‌هایی که نقش اول آن با مرد است. قرآن کریم هرجا خطری احساس کند بیش از پیش بر آن تکیه می‌کند؛ مثلاً هنگام ظهور قرآن که مساله توحید در انزوا بود و شرک رواج داشت، برای تثبیت توحید و سرکوب شرک آیات قرآنی نازل شد. همچنین در ایام نزول قرآن، حرمت زن نیز محفوظ نبود؛ از این رو خیلی بر مساله حرمت زن تاکید نموده و در تمام شئون برای او سهمی قائل شده و به یگانگی با مرد در مقام انسانیت تصریح نموده است.

قرآن کریم هنگام تبیین و تذکر فضایل اخلاقی و یا نکوهش و تحذیر از رذایل اخلاقی، هم از مردان ستوده و با فضیلت یاد می‌کند هم از زنان نمونه و اسوه نام می‌برد.

انسان وارسته می‌تواند الگوی دیگر انسان‌ها قرار گیرد. مرد یا زن وارسته، الگوی مردم است نه الگوی مردان یا زنان. قرآن کریم 4 زن نمونه را (دو نمونه خوب و دو نمونه بد) ذکر می‌کند. زن بد یا خوب، نمونه زنان نیست بلکه زن نمونه است و میان این دو فرق است. مرد نیز خوب یا بد، نمونه مردان نیست بلکه مرد نمونه است. در قرآن کریم مرد یا زن خوب، نمونه انسان‌های خوب است و مرد یا زن بد، نمونه انسان‌های بد است. پس از این مقدمه نمونه‌هایی از زنان با فضیلت را که قرآن کریم به مقام آنان تصریح کرده است یاد می‌کنیم.

1- ساره و گفت و شنود با فرشتگان

همسر ابراهیم خلیل علیه السلام یکی از بانوان نمونه‌ای است که با فرشته‌ها سخن گفته و بشارت ملائکه دریافت کرده است؛ ذات اقدس الهی در زمان فرتوتی خلیل الله به او بشارت فرزندی آگاه و حلیم داد و این بشارت الهی به همان صورت به همسر او نیز اعلام گردید.

ملائکه به حضرت ابراهیم(ع) گفتند "فبشرنا بغلام حلیم" (سوره صافات، آیه 101) و ابراهیم سلام‌الله فرمود: "آیا به من نوید می‌دهید، در حالی که مرا پیری رسیده است؟!"

این سخن حضرت از روی "استبعاد" نبود بلکه "استعجاب" بود. در استعجاب، انسان به لحاظ شگفت انگیز بودن واقعه با تعجب بر آن می‌نگرد. در اینجا ابراهیم خلیل(ع) فرمود: به دوران فرتوتی پای نهاده‌ام و پیری به سراغ من آمده است؛ پس چه بشارتی به من می‌دهید فرشته‌ها گفتند: یعنی تبشیر ما با حق همراه است و گراف نیست؛ پس ناامید مباش!

آنگاه ابراهیم خلیل(ع) فرمود: یعنی نه تنها ناامید نیستم بنابراین نه تنها پیامبر(ص) بلکه هیچ مومن و مهندی ناامید نمی‌شود. ناامیدی یعنی نعوذبالله گمان ناتوان بودن خدا- معاذالله- از حل مشکل.

در قرآن کریم معادل همین برخورد را با همسر آن حضرت نیز مطرح شده؛ یعنی هنگامی که فرشته‌ها با خلیل حق سخن می‌گفتند، همسر او نیز حضور داشت و ایستاده بود و ضحکی داشت- ضحک در تفاسیر دو معنا شده است: سرور و خوشحالی یا عادت ماهانه زنان- پس مژده دادیم او را به اسحاق و از پس اسحاق یعقوب را؛ یعنی افزون بر فرزند (اسحاق) بشارت نوع (یعقوب) را هم به او دادند.

گفتگوی همسر خلیل الرحمان با فرشتگان چنین است: یعنی آیا من مادر می‌شوم در حالی که فرتوت و سالمندم و همسر نیز پیرمردی فرتوت و کهنسال است؟!

فرشتگان به او گفتند: آیا از رحمت خدا و امر خدا تعجب می‌کنی؟ در حالی که رحمت خدا و برکات وی بر شما خاندان نبوت فراوان بوده است و شما از این برکات عینی بی‌شمار دیده‌اید؟!

2- مادر و خواهر حضرت موسی(ع)

در بخش قوه دافع و نیروی غضب و مبارزه ضد ستم، مردان بسیاری شهرت یافته‌اند اما در مبارزه با ستم فرعونى حضور زنان شگفت‌آور است. قرآن کریم از سه زن نام می‌برد که حضرت موسی(ع) را از کشته شدن حفظ و او را تربیت کردند. پرورش موسی کلیم به عهده مادر موسی، خواهر موسی و زن فرعون بوده است. این سه زن با وضع سیاسی آن روز مبارزه کردند و برای حفظ حضرت موسی جان خود را به خطر انداختند.

وقتی مادر موسی(ع) فرزند خود را به دستور الهی به دریا انداخت به خواهر موسی گفت: این جعبه را تعقیب کن؛ همسر فرعون نیز به او گفت نکشید او را شاید سودی با ما رساند یا او را به فرزندی بگیریم؛ بنابراین هر سه زن یاد شد زمینه رشد و تربیت موسی(ع) را فراهم کردند تا بساط فرعون برچیده شود. در زمین که هر زن شیرده را تعقیب می‌کردند تا بدانند نوزاد او پسر بوده است یا دختر- افزون بر این که مادر شدن مادر موسی(ع) نیز مخفیانه بوده و به هر روی فرعونیان از نوزاد و جنسیت آن می‌پرسیدند چون آنان همواره در تعقیب بودند تا هر نوزادی پسری را از بین ببرند؛ پس نه دستور پیگیری سید از سوی مادر موسی(ع) امری عادی بود و نه پیشنهاد شجاعانه خواهر او بی‌خطر. پیشنهاد زن فرعون هم پیشنهاد مهمی نبود؛ چون او با خون‌آشام‌ترین مردم عصر به سر می‌برد و پیشنهاد شهادت و شجاعت او را جلوه گیر می‌سازد.

3- زن فرعون

ذات اقدس الهی که برای مردم مومن نمونه و الگو معرفی کند، از این زن شجاع نام می‌برد؛ قرآن همسر فرعون را نمونه زنان خوب معرفی نکرده است بلکه او را از زن خوب نمونه جامعه اسلامی دانست است که جامعه برین باید از این زن نمونه الگو گیرد؛ نه خصوص زنان.

آسیه همسر فرعون در کنار مردی زندگی می‌کردند که نه تنها ادعای ربوبیت داشت، مدعی توحیدی ربوبی هم بودند بلکه می‌گفت: من تنها خدا هستم. در چنین خانه‌ای بانویی زندگی کرد که نمونه مردم متدین شد. قرآن مهمترین فضائل این بانو را در بعد دعای او می‌داند که در این دعا شش نکته مهم هست. او در نیایش خود به ذات اقدس الهی عرض می‌کند؛ کنار خدا خانه‌ای را در بهشت می‌طلب؛ خلاف برخی که فقط بهشت را در دعاهایشان از خداوند می‌طلبند. این بانو می‌گوید اول خدا، بعد بهشت و بهشتی که (عندالله) است با جنت تفاوت فراوان دارد. در نیایش شش‌گانه یا دعای شش بعدی زن فرعون، دو خواسته مربوط به تولی است؛ یکی لقاءالله و دیگری بهشت. این بانو عرض می‌کند "مرا از فرعون و از کار او که شرک است رهایی بخش! نه تنها از ستم او نجات بده بلکه مرا از ستمکاری هم نجات بده تا زیر بار شرک فرعون نروم و خود نیز داعیه ربوبیت در سر نپورانم.

بنابراین بانویی که به این اندازه عالمی می‌فهمد و درخواست‌هایش تبری و تولی دارد مسایل اجتماعی و فردی را از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کند زن نمونه است؛ نه نمونه زنان و به تعبیر قرآن کریم نمونه مردم خوب است.

4. مقام ویژه مریم علیه السلام

حضرت مریم(ع) یکی از دو زن نمونه است که خداوند پس از نمونه دانستن همسر فرعون؛ او را الگوی انسان‌های مومن می‌شناساند. چون مقام مریم بالاتر از مقام زن فرعون بود، او نمونه صیانت، عفت و دریافت روح غیبی بود. همچنین بر پایه آیات قرآن، فرشتگان با مریم سخن می‌گفتند و سخنان او را می‌شنیدند و نیز مردم آنها را می‌دید و آنها هم در سرای مریم قرار می‌گرفتند. فرشتگان فراوانی به این بانو خبر دادند که صفوة الله، مطهره و الگوی زنان عالم هستی و دائماً به یاد حق باش و سجود و رکوع را فراموش مکن و اهل رکوع باش؛ چنانکه بشارت حضرت مسیح را به او می‌دادند؛ اینها نمونه‌هایی از حضور فرشتگان در محضر مریم و گفتگوی با اوست.